**قطعه ای نه از رودکی در دیوان رودکی**

**سروشیار، جمشید**

از دیوان عظیم استاد سمرقند-که به قولی به صد دفتر بر می‏آمده‏1و به روایتی‏ یک میلیون و سیصد هزار بیت داشته است‏2-آنچه باز مانده سخت اندک است.مجموعی‏ که سالی چند ازین پیش بنام«آثار منظوم»وی فراهم آورده‏اند3،حدود یک هزار بیت‏ دارد که تازه این مبلغ بسا ابیات و قطعات است که به آسانی می‏توان در صحت انتساب آن‏ به شاعر تردید روا داشت یا اساسا انتساب آن را بدو مردود دانست.

از این نوع اخیر است قطعه‏ای که نه تنها از وی که از دیگر سخنوران روزگار کهن‏ نیز نیست،بل سرودهء دانشوری است هم روزگار ما که هنوز ده سالی از مرگ او نگذشته‏ است،وی شادروان سعید نفیسی است،طاب ثراه و آن قطعه اینست:

این جهان رانگر به چشم خرد نی بدان چشم کاندرو نگری‏ همچو دریاست وز نکوکاری‏ کشتئی ساز تا بدان گذری

و اما کیفیت قضیه ازین قرار است که در یتیمة الدهر ثعالبی(الجزء الرابع،ص 149 طبع محمد محیی الدین عبد الحمید)ذیل احول احمد بن مؤمل آمده است که وی دو بیت از اشعار رودکی را بدین دو بیت تازی ترجمه کرده است:

تصور الدنیا بعین الحجی‏ لا بالتی انت بها تنظر الدهر بحر فتخذ زورقا من عمل الخیر به تعبر

استاد فقید این قطعه را از یتیمهء الدهر به کتاب خویش:«احوال و اشعار ابو عبد اللّه‏ جعفر بن محمد رودکی سمرقندی»نقل فرموده و گفته است:«معلوم است که رودکی دو بیت‏ شعر داشته است بدین مضمون:گیتی را به چشم خود بنگر و نه بدان چشم که بدان می‏نگری‏ زمانه دریاست و از نکوکاری زورق بساز و بر آن بگذر.که ابو الحسن احمد بن المؤمل‏ شاعر قرن پنجم آن را به تازی ترجمه کرده است.

شاید اصل آن دو بیت رودکی،چنانکه به خاطر مسعود این اوراق گذشته‏ است،چنین بوده باشد:

این جهان را نگر بچشم خرد....الخ‏4»

شگفت آن‏که هیچ یک از کسانی که این دو بیت ترجمهء نفیسی را از کتاب وی نقل‏ کرده‏اند به توضیح صریح و آشکار آن مرحوم توجه ننموده و این قطعه را از رودکی پنداشته‏اند! از این گروه‏اند شادروان استاد محمد معین(مجموعهء اشعار دهخدا،ص 111)،براگینسکی‏ (رودکی،آثار منظوم،ص 110)،دکتر محمد جعفر محجوب(سبک خراسانی در شعر فارسی،ص 121)،دکتر خلیل خطیب رهبر(رودکی،ص 46)و دکتر محمد دبیرسیاقی. (پیشاهنگان شعر فارسی،ص 57).

(1)و(2)رک:لباب الباب،ج 2 ص 7

(3)-مراد مجموعی است که بسال 1962 تحت نظر:ی.براکینسکی در ش.ر.ی بچاپ آمده است.

(4)-احوال و اشعار ابو عبد اللّه‏ جعفر بن محمد رودکی سمرقندی،مجلد دوم،ص 581.